

تجربه دیگران

بسکتبال، سینما، دموکراسی

• کریم عبدالجبار، بسکتبالیست مشهور آمریکایی، هفته گذشته با انتشار یادداشتی در روزنامه سینمایی و صنعت سرگرمی «هالیوودریپورتر» درباره سرویس جنجالی «همه آنچه می‌توانید تماشا کنید» شبکه نتفلیکس نوشت و چنین اظهارنظر کرد که وجود چنین سرویس‌هایی می‌تواند به «دموکراتیزه‌کردن» رسانه‌ها و جامعه منجر شود.
بازکن سیاه‌پوست ۷۱ ساله و اکنون بازنشسته بسکتبال حرفه‌ای آمریکا در این مقاله کوتاه ابتدا به صحنه‌ای از مراسم اهدای جوایز اسکار ۲۰۱۶ اشاره کرده است؛ سالی که هشتک #OscarsSoWhite در تقبیح گرایش ظاهرا یک‌سویه و نژادپرستانه اعضای آکادمی اسکار برای نامزدکردن رنگین‌پوستان در هیچ‌یک از رشته‌های اصلی در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده بود.
مجری سیاه‌پوست مراسم اسکار آن دوره، کریس راک، ویدئویی از خود را در حال مصاحبه با چند آمریکایی آفریقایی‌تبار در خارج از سینمایی در شهر کامپتن کالیفرنیا نشان داد و وقتی از آنها می‌پرسید آیا «نور افشاکر» یا «پل جاسوس‌ها»، نامزدهای اصلی اسکار بهترین فیلم را دیده‌اند یا نه، پاسخ می‌دادند اینها دیگر چه فیلم‌هایی هستند، اما آنها همه فیلم «بچه ناف کامپتن» درباره مشکلات جامعه سیاه‌پوستان را دیده بودند. عبدالجبار در ادامه نوشته است: «از آن دوران تاریک دو سال گذشته است و تغییرات در قوانین آکادمی و افزایش چهره‌های غیرسفید روی پرده نشان از پیشرفت دارد، اما تغییر واقعی- فیلم‌های بیشتر درباره رنگین‌پوستان که آنها را وادار کند بیشتر به سینما بروند- هنوز در در مقیاسی قابل‌توجه اتفاق نیفتاده است».
بازکن سابق NBA نوشته است که حرف آخر را در هالیوود، پول و سود مادی می‌زند و از این لحاظ تنوع با عدم تنوع نژادی فرقی به حالش نمی‌کند. «این به آن معنی است که فروش کمتر فیلم‌های رنگین‌پوستان سبب توجه کمتر تهیه‌کنندگان به این قبیل فیلم‌ها می‌شود».
عبدالجبار با اشاره به چند استثنا مانند فیلم «پلنگ سیاه» که اکشن ابرقهرمانی موفق و پرفروشی با بازیگران تمام سیاه‌پوست است، انتقاد کرده است خود فیلم‌سازان سیاه‌پوست مقصرند که خود را به چند ژانر خاص مانند ملودرام و کمدی‌های اسلپ- استیک محدود کرده‌اند. نویسنده سپس به یک سرویس نمایش اینترنتی فیلم با عنوان MoviePass اشاره کرده و آن را راهی برای ایجاد تنوع در ذائقه تماشاگران دانسته است و اینکه با ایجاد تغییرات جمعیت‌شناختی کاری کنند که تهیه‌کنندگان هالیوود خودبه‌خود به آنها بیشتر بها بدهند و فیلم‌ساختن درباره رنگین‌پوستان را سودمند بشمارند.

روزنامه شتر

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۲۰ شعبان ۱۴۳۹ ه‍. ق • ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۴۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۵ • اذان صبح فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

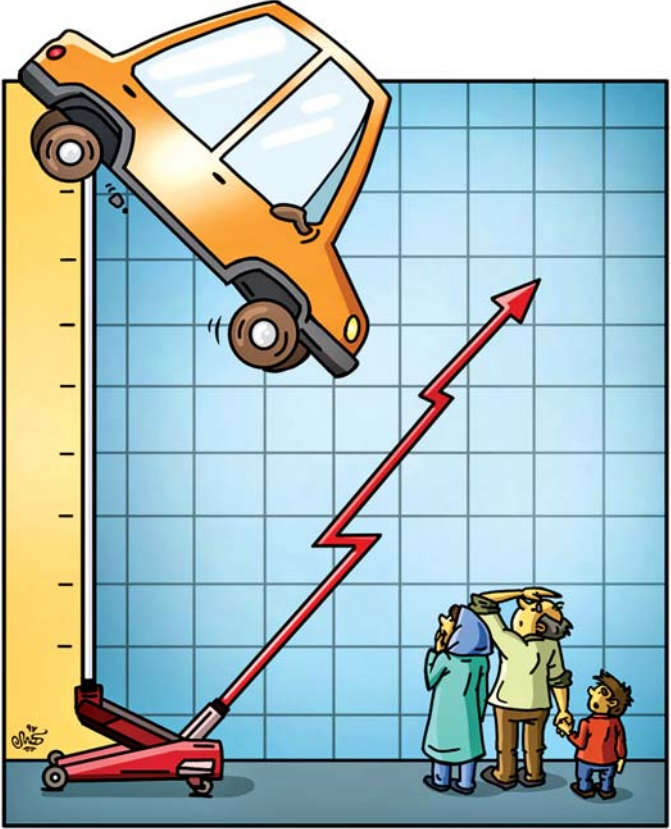
روزانفرها

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سهیل محمدی

نماینده مجلس : شرایط اقتصادی کشور توان شوک قیمتی خودرو را ندارد.



LG TWINWash™

شستشوی لباس‌ها؛

هم همزمان، هم جدا جدا



مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۳



شتر

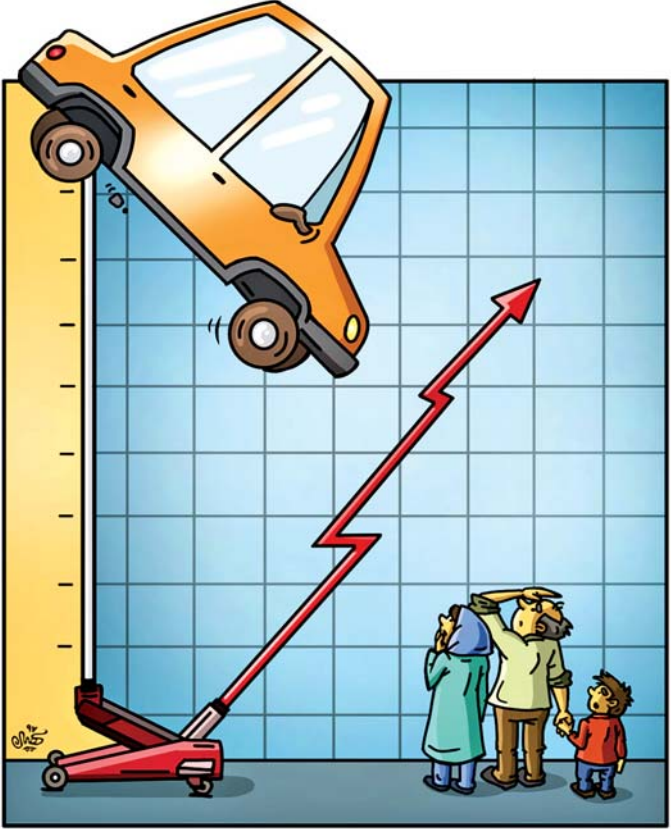
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۲۰ شعبان ۱۴۳۹ ه‍. ق • ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۴۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۵ • اذان صبح فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

کارتون خواب

سهیل محمدی

نماینده مجلس : شرایط اقتصادی کشور توان شوک قیمتی خودرو را ندارد.



سلام به فردا

چگونه پرتقال‌ها را پوست بکنیم تا قطره‌ریز نشود

تیراژ رسانه‌ها و کوچ مخاطبان از رسانه‌های داخلی افسردگی گرفته‌اند و به علت شدت حسادت نسبت به رسانه‌های مجازی، کینه‌جو شده‌اند، گرچه می‌دانند نتیجه کینه‌جویی تنها آزار دیگران نیست، خود جراحت‌برداشتن هم هست.

نتیجه ساده اول: روزنامه‌نگاران از بس که حرف زده‌اند، حرف‌زدن یادشان رفته است یا عذاب وجدان گرفته‌اند؟ اکنون پرسش این است؛ حالا که رسانه‌ها رنجور و روزنامه‌نگاران افسرده‌اند، آیا رستگاری فقط سهم مخاطبان است که بی‌دغدغه، بی‌رنج و عذاب و سرخوشانه در مדיاهای مختلف و متنوع در سیر و سفزند؟

نتیجه ساده دوم: تداوم وضع موجود، یعنی برون‌سپاری و حوالت‌دادن مردم مثل میلیون‌ها دانشجو به ملاحظه، تماشا و تامل در رسانه‌های غیررسمی یا غیردائلی ... موجب عادت‌پذیری مردم به وضع موجود می‌شود که جذب دوباره آنان بسی دشوار خواهد بود. آیا ما داریم به سوی تهی‌کردن کامل شماییلی به نام رسانه‌های داخلی می‌رویم؟ امیدوارم چنین نباشد، امیدواری عادت تاریخی ماست.

یادداشت

ایران و جهان با یک تفاوت سرآمدان محیط‌زیستی خود را شناختند!

لوئیز، کنشگر مکزکی، در کوه‌های Sierra Madre به ضرب گلوله از پای درآمد.
اوایل این ماه، یکی از برندگان سال گذشته، رودریکه کاتمبو، یک محیط‌بان در منطقه حفاظت‌شده گوریل‌ها در پارک ملی ویرونگا، شش نفر از همکارانش را در یک قتل عام از دست داد.

مارکز می‌گوید که ناامنی واقعیت زندگی در کمپین اوست. «ما مرتباً از شبه‌نظامیان تهدید به قتل دریافت می‌کنیم. حفاظت از محیط زیست و زمین همیشه به جدال بین آنها که منطقه‌ای را برای زندگی لازم دارند و آنها که می‌خواهند جایزه‌هایشان را از پول ببرکنند، وجود دارد. این جایزه‌کوش‌های جمعی مردمی را که به محیط زیست اهمیت می‌دهند، ارج می‌نهد و همه رهبرانی که برای اهمیت‌دادن به خانه مشترک ما به قتل رسیده‌اند».

یک دانشجوی حقوق ۳۵ساله و مادر دو فرزند که از ۱۳سالگی به یک کمپین علیه یک نیروگاه آبی پیوسته، کنشگر محیط زیست و فعال مدنی بوده است.

این نخستین‌بار است که پنج نفر از مجموع شش برنده جایزه‌گلدمن، زن هستند. از جمله کنشگران مخالف با نیروی هسته‌ای از آفریقای جنوبی، ماکوما لکالا کالا

و لیز مک دید، کنشگران مدافع انرژی‌های تجدیدپذیر، نگوی‌تی‌کان از ویتنام مدافع آب‌ها، لی‌آن والترز از ایالات متحده و کنشگر فرانسوی مدافع

زیست‌مندان دریایی، کلر نوویان، تنها مرد برنده جایزه از فیلیپین، ماننی کالونزو، رهبر کمپین علیه آلودگی سرب است.

خانم مارکز در نظر دارد تابا استفاده از این جایزه، زمینه‌ای برای یک طرح جدید زندگی بر اساس «عشق مادری» در برابر خام‌فروشی یا Extractivism ایجاد کند.

او می‌گوید: «نخستین چیزی که ما باید بیشتر به آن توجه کنیم، این لحظه تاریخی است که در آن قرار داریم: سیاره ما درحال تخریب‌شدن است، به همین سادگی و اگر برای پیشگیری کاری انجام ندهیم، ما بخشی از این تخریب خواهیم بود. زمان ما فرا رسیده و باید عمل کنیم، ما در برابر نسل‌های آینده مسئولیم تا با اهمیت‌دادن بیشتر به زندگی و نه به ثروت جمعی دنیای بهتری به‌جا بگذاریم».

پیشنهاد

اصل راه‌ها و اهداف مشترک

ضرب و زور یا به طور فرمایشی شکل نگرفته و از دل هرج‌ومرج به وجود نمی‌آید، بلکه برای تحقق اهدافی مشترک و بر مبنای نیازی مشترک، کام در



راه‌های مشترک می‌گذارد. موج اول فمینیسم در غرب، از دل تلاطمی برخاست که از رفت و برگشت بین جنبش و نظریه (پاره‌های ذهنی و عینی) در بستر نظم اجتماعی حاکم بر قرن هجدهم میلادی پدید آمد. بررسی تاریخی این جنبش، به شناخت اشتراکات در کنار فهم تفاوت‌های مطالبه‌گری مدنی بین

جامعه آنجایی و آن زمانی، با جامعه اینجایی و اکنونی، راهگشای اندیشه نظری در هم‌فراخوانی با کنش اجتماعی می‌شود.

بدیهی و طبیعی است با این وصف موضوع‌های اصلی به محاق می‌رود و موضوع‌های جزئی و تقننی یا پیش می‌گذارند؛ چرا وزنه‌برداری جایگاه جهانی خود را از دست داده است یا دلیل لبخند ملجیح بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی، به تبسم تلخ دروازه‌بان سالیاء چه بود یا چرا آسفالت خیابان حافظ کم‌دوام و گردش به راست پل عابر پیاده حافظ کم‌عرض است؟

یک جمع‌بندی حداقلی: سرگرمی بالاترین رسالت رسانه است؛ خندوانه، دورهمی، نود، چگونه پرتقال را پوست بکنیم تا قطره‌چکان نشود، یا وقتی کلاه سرمان می‌گذارند، خودمان آن را برداریم یا از همسرمان بخواهیم.

یک نتیجه ساده: رسانه‌ها از حداقلی‌شدن جایگاه و از محو تدریجی مخاطبان خود رنج می‌برند، یعنی رنجوری کسب‌وکار آنان است.

روزنامه‌نگاران افسرده‌اند از اینکه ناتوان از طرح پرسش از مسئولان هستند، اما باید پاسخ‌گوی مخاطبان باشند. آیا سکوت تنها پاسخ افسردگی است؟ یعنی کسی که زیاد افسرده است، خاموش است؟

جمع‌بندی حداقلی: روزنامه‌نگاران به‌خاطر تنزل



فریدون صدیقی
پژوهشگر و مدرس ارتباطات

آیا رسانه‌های ما در عذاب‌اند؟ پاسخ صریح و آسان این است؛ رسانه‌ها رنج می‌برند و روزنامه‌نگاران افسرده‌اند. چرا؟ چون قادر به طرح پرسش و پاسخ نیستند.

رسانه‌ها اعم از روزنامه، رادیو و تلویزیون در زیست اکوتنی ما و با خطرمرزهای بسته و سلیقه‌ای، ناتوان از طرح پرسش در بیان موضوعات عمده هستند؛ یعنی لکنت شدید در طرح موضوع‌های بنیانی دارند، نقطه‌عطفی که خاستگاه اولیه و اصلی ژورنالیسم است. همین کاستی‌ها اساساً ضرورت حضور و نقش رسانه‌های ما را حداقلی کرده است. وقتی روزنامه، رادیو و تلویزیون به‌درستی، به‌واقع و چندوجهی و عمقی نتوانند مثلاً سؤال کنند چرا هر روز فقرا تحقیرت و ثروتمندان فربه‌تر می‌شوند، پس تکلیف عدالت موعود چه می‌شود؟

روایت

ترافیک‌مقتل لحظه‌های خوش‌ما

شکوه مقیمی

هر روز برای همه ما تکرار می‌شود؛ ترافیک! چیزی که زندگی‌مان را از صبح زود تا پایان شب دربر گرفته است. ترافیک فقط حجم انبوه ماشین‌هایی که در خیابان به امید روزنه‌ای پشت به پشت هم صف کشیده‌اند، نیست. ترافیک یعنی مقتل ساعت‌های عزیزتر از جان ما. ترافیک یعنی نشستن در معرض مستقیم شکنجه بوق‌های پی‌درپی. ترافیک یعنی مواجهه عریان با فرهنگ مزخرف رانندگی‌های شهروندان عزیز. هر روز ساعت‌ها در ماشین‌هایمان به انتظار می‌نشینیم تا شاید درزی از لای این همه ماشین باز شود و دقیقه‌ای چند از زندگی‌مان در این عذاب دائم سپری نشود و در این ساعت‌ها تماماً به این فکر می‌کنیم که آیا واقعا نمی‌توان فکری به حال این وضع کرد؟ آیا واقعا یک مقام مسئول باکفایت در این کشور پیدا نمی‌شود که راه چاره‌ای بدیع برای بازکردن این گره کور داشته باشد؟ از خود می‌پرسیم چرا کنار این همه آموزش‌های ناکارآمد در مدارسمان، چند واحدی را به فرهنگ رانندگی نباید اختصاص دهیم؟

اما چقدر پیش آمده در کنار این خیل انبوه سؤال‌هایی از این دست، خودمان را مورد پرسش قرار دهیم؟ درست است، خود ما! ما چه نقشی در این وضعیت بازی می‌کنیم؟ انبوه خودروهای تک‌سرنشین چیزی نیست که بتوان نقش آن را در این وضعیت کتمان کرد. درست است که حال ناخوش حمل‌ونقل عمومی پای این همه مسافر خسته شهری تنها را هر روز روی پدال گاز فشار می‌دهد، اما در آخر جزای این ناکارآمدی را خودمان باید در خیابان پس بدهیم. واقعا این‌قدر سخت است که چند نفر چند نفر به محل کارمان برویم یا وقتی مسیر مشترکی داریم با هم همسفر شویم؟ همسفربودن پیشکشمان، به‌راستی این‌قدر دشوار است که در این وضعیتی که همه در آن گیر کرده‌ایم، کمی مهربان‌تر با هم تا کنیم؟ آیا باید تاوان حق خورده‌شده‌مان را از یکدیگر بازستانیم؟

بعضی رویدادها در این روزگار وانفسا کمی به آدم روحیه می‌دهد که هنوز می‌توان «چیز دیگر» را تصور کرد. چندی است که کمپینی به شکل مردمی و با همراهی چند شخصیت معروف در فضای مجازی به راه افتاده است؛ کمپینی که خود را با هشتک مسیرنو در اینستاگرام معرفی کرده است و به نظر می‌رسد حرف جذابی برای گفتن دارد؛ اینکه می‌توان وضع شهر و ترافیک بی‌سروتهش را بهتر کرد. اما چطور؟ کمپین مسیرنو یک راهکار ساده پیش‌روی مخاطبان خود قرار می‌دهد؛ اینکه می‌توان با لذت‌بردن از فعالیت‌هایی همچون گوش‌کردن به کتاب صوتی و پادکست، وقت‌های مرده ترافیکی را جان تازه‌ای بخشید. قسمت جذاب این ماجرا در این است که به نظر می‌رسد هدف کمپین نه بازاریابی برای فروش محصولات فرهنگی از این دست، بلکه تغییر فرهنگ رانندگی مردم باشد. راهکار جالبی به نظر می‌رسد.
اینکه می‌توان با لذت‌بردن از آن قسمت از زندگی‌مان که در ترافیک سپری می‌کنیم، آرامش را به خیابان‌های شهر بازگردانیم. برای مثال، در تهران چیزی حدود ۴۶ هزار دعوی خیابانی به دلیل ترافیک و رانندگی‌های عصبی به وقوع می‌پیوندد. آیا واقعا می‌توان با تغییر حال آدم‌ها در ترافیک حداقل مقداری از این را کاهش داد؟ شاید برای یافتن پاسخ این سؤال هنوز کمی زود باشد، اما چیزی که اهمیت دارد، پرداختن جمعی خودمان به مسائلی از این دست است، به جای اینکه در ترافیک بنشینیم و منتظر بمانیم که کسی از راه برسد و وضع را برایمان تغییر دهد.



محمد درویش

پنج روز قبل از ایران که در جریان برگزاری جایزه مهرگان -معتبرترین جایزه محیط‌زیستی مردمی کشور- سرآمدان محیط‌زیستی وطن معرفی شدند؛ مشهورترین جایزه محیط‌زیستی دنیا هم برندگان خود را در روز جهانی زمین شناخت؛ جایزه‌ای که امسال بیش از هر زمان دیگری به زنان تعلق گرفته و افزایش نقش برجسته آنها را در دفاع از کره خاکی ثابت می‌کند. این در حالی است که کنشگران زن ایرانی در مراسم جایزه مهرگان در سال ۹۷، در هیچ‌یک از سه بخش کتاب، شخصیت و سمن واجد دریافت جایزه و عنوان نخست نشدند. کوشش برای یک سیاره سالم ممکن است گاهی اوقات مانند شکست‌های پی‌درپی به نظر آید، اما جایزه‌گلدمن امسال شش داستان موفقیت‌آمیز چشمگیر را جشن گرفت که پنج‌تای آنها برعهده زنان بود.

از رای مخالفت با انرژی هسته‌ای یک دادگاه علیه رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی، جی‌کوب

زوما و رهبر روسیه، ولادیمیر پوتین گرفته تا کمپین هشداردهنده‌ای به دولت ویتنام برای ترک استحصال انرژی از زغال‌سنگ و روی‌آوردن به انرژی‌های تجدیدپذیر-

برندگان جایزه، در روز جهانی زمین- همه کنشگران بومی و مردمی هستند که با منافع پرقدردن درگیر شده‌اند.

در آمریکای لاتین، برنده جایزه، فرانسیا مارکز، آفریقایی‌تبار از کلمبیا و رهبر جامعه مدنی به همراه ۸۰ زن یک راهپیمایی به مسافت ۳۵۰مایل از آمازون تا بوگوتا را پیمود تا دولت را به ارسال نیروهای نظامی در راه مبارزه با معدن‌کاوان غیرقانونی که رودخانه‌ها را با سیانور و جیوه آلوده می‌کردند، وادار کند.

مانند بسیاری از برندگان سابق این جایزه، او نیز با خطرات فراوانی روبه‌روست. این خطرات را برای کنشگران محیط‌زیستی می‌توان در قتل دو برنده جایزه‌گلدمن در دو سال گذشته مشاهده کرد. برتا کاسرس، در کمتر از یک سال پس از دریافت جایزه به قتل رسید؛ ۱۰ ماه پس از آن ایزیدرو بالدنگرو

روز سه‌شنبه هجدهم اردیبهشت از ساعت ۱۴ تا ۱۶، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، میزبان نشست گروه



جامعه‌شناسی نظری انجمن جامعه‌شناسی ایران خواهد بود. دکتر بیتا مدنی، جامعه‌شناس حوزه زنان، خانواده و جنسیت، در این نشست به «کاربست اصل راه‌ها و اهداف مشترک در پویایی‌شناسی فمینیسم» می‌پردازد. اصل راه‌ها و اهداف یکی از اصول فرامکتبی جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته

علمی مستقل است که مبنای تحلیل و تبیین گروه‌های اجتماعی به‌مثابه راه‌ها و اهداف مشترک است. هیچ گروه اجتماعی در تاریخ بشری به